

# چند نکته در تصحیح هانری کوربن از شرح شطحیات

## هاشم بناء پور

در این جا نکته ظریف این است که عقاب به قاصد اصلاً معنی ندارد و درست این است که بگوییم: «عقاب بقا صد صد هزار...». افزون بر این ها «عقاب بقا» اصطلاح عرفانی است.  
\* در صفحه ۲۵۱، فصل ۱۸۳ می خوانیم:  
«گوید که از طبر و کر توحید و شاه باز هوای تجرید جعفر حذاء پرسیدم...»

– طبر در اینجا بی معنی است و طبر درست است چرا که در ادامه و کر آمده است و و کر به معنی آشیانه است، و معنی طبر هم که مشخص است.

\* در صفحه ۱۳۱، فصل ۷۳ چنین می خوانیم:  
«در چمن عشق باز او اشارت 'أفلا یكون عبداً شکوراً' چه گویی.»

هانری کوربن در پاورقی ارجاع داده است به سوره ۱۷ (بنی اسرائیل) آیه ۳. در حالی که این ارجاع نادرست است. این عبارت اصلاً آیه قرآن نیست و در واقع حدیث نبوی است و درست آن «أفلا اکون عبداً شکوراً» است و معنی آن عبارت این است: آیا بنده ای سپاسگزار نباشم.

چون بحث به آیات قرآنی کشید لازم می دانم توضیح دهم که ارجاعات آیات غلط است و در این جا به سه نمونه بسنده می کنم:  
صفحه ۷۹ پاورقی یک، آیه ۴۵ درست است نه ۴۴.

صفحه ۸۱ پاورقی ۶ آیه ۷ آل عمران درست است نه آیه ۵  
صفحه ۱۵۴ آیه ۴۴ سوره بنی اسرائیل درست است نه آیه ۴۶.  
در ضمن هیچ یک از آیات قرآنی اعراب گذاری نشده است. امیدوارم ناشر محترم در چاپ بعدی، کتاب را به اهل اش بسپارد تا این دست ایرادات و اشکالات اصلاح شود و متن منقح و آکادمیکی به خوانندگان عرضه شود.

البته آن چه در تصحیح این نوع کتاب ها باید مدنظر باشد توجه مصحح به منطق کلام و نقش کلمه در جمله است. صرفاً با ردیف کردن انواع نسخ نمی توان ادعا کرد که تصحیح درستی انجام داده ایم.

۱. شرح شطحیات، تصنیف شیخ روزبهان بقلی شیرازی، به تصحیح [به در عنوان کتاب زاید است] و مقدمه از هنری کوربن، ترجمه مقدمه از دکتر محمدعلی امیر معزی، (تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۵).

۲. پیامبر گرامی آن قدر برای نماز و عبادت می ایستاد که پاهایش ورم می کرد، آن قدر نماز شب می خواند که چهره اش زرد می شد و آن قدر در حال عبادت می گریست که بی حال می شد. شخصی به آن حضرت عرض کرد: مگر نه این است که خداوند گذشته و آینده تو را بخشیده است، چرا خود را این گونه زحمت می دهی؟ حضرت در پاسخ فرمود: «افلا اکون عبداً شکوراً» آیا بنده ای سپاسگزار نباشم؟ (بحار الانوار، ج ۴)

شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی و گفتارهای شورانگیز و پارادوکسی او برایم همواره تأمل برانگیز بوده است. هرازگاهی که به سراغ این کتاب می روم، نکاتی در آن می یابم و در حاشیه آن یادداشت هایی می نویسم. گاهی حل مسئله می کنم و بارها به خطاهای کوربن پی برده ام؛ گاه که مطلب دستگیرم نشده، دریافته ام که اشکال از مصحح بوده است. البته پیش از آن که به پاره ای از این اشکالات اشاره کنم، لازم می دانم توضیح دهم که هانری کوربن در شناساندن روزبهان حق بزرگی بر گردن ما ایرانیان دارد و اهمیت کارهای او در شناساندن فیلسوفان و عارفان مسلمان بر کسی پوشیده نیست. اما ضروری می نماید که با دیدی انتقادی و از نو، آثار وی را بررسی کنیم.

چندی پیش متوجه شدم که انتشارات طهوری این کتاب را از نو حروفچینی کرده و با رسم الخط جدید آن را به بازار کتاب عرضه کرده است. وقتی متن کتاب را بررسی کردم متوجه شدم که ناشر به واقع کار مکانیکی و بسیار اندکی روی متن انجام داده و کسی که ویرایش (در حد تصحیح رسم الخط) کار را برعهده داشته، اصلاً با مفهوم کلمات کاری نداشته است و چاپ جدید اصلاً فرقی با چاپ قبلی آن ندارد. جا داشت که کتاب از نو تصحیح می شد و مسائلی که کوربن متوجه آن نشده بود، در این چاپ اصلاح می شد. در این جا به پاره ای از اشکالات اشاره می کنیم:

\* در صفحه ۱۰۸، فصل ۴۹ شرح شطحیات چاپ طهوری چنین آمده است:

«بنینی به تیره زبان محبت چون دوال دعوی بر طبل معنی زدند»

– به تیره زبان بی معنی است و درست آن تیره زنان است، یعنی طبل زنان.

\* باز در فصل ۵۰، صفحه ۱۰۸ چاپ طهوری چنین آمده است:  
«چون از شهر بیرون آمدیم، خلق در قفای او بیامدند واقعاً نگه کرد.»

در این جا واقعاً بی معنی است. نخست این که واقعاً واژه جدید و امروزی است. دوم این که اصلاً با منطق درونی جمله و متن نمی خواند و باید می نوشتند که واقعاً نگه کرد، یعنی پشت سرش را نگاه کرد.

\* در صفحه ۱۳۸، فصل ۸۳ چنین آمده است:

«که آدمان بی گناه در سرای تنزیه جمله 'ربنا ظلمنا' می گویند.»  
– جمله غلط است، «جمله» درست است، یعنی همه شان. از این ها گذشته آیه قرآن را روزبهان جمله تلقی نمی کند و نیز واژه جمله کاملاً غلط است و آن موقع جمله نمی گفتند.

\* در صفحه ۱۴۱، فصل ۸۵ چنین آمده است:  
«تا در منقار عقاب به قاصد صد هزار عرش و کرسی شکسته

بینی.»